



## زوایای پنهان قیام ایلام\* (در سال ۱۳۰۸ خورشیدی)

عباس محمدزاده (ملکشاه)

### چکیده:

در این جستار تاریخی به علل ظهور، زمینه‌ها، دلایل و نتایج قیام ایلام و همچنین نقش رهبران آن در ایجاد اتحاد و همدلی در میان ایلات و طوایف پشتکوه اشاره شده است. روش پژوهش در این مقاله عموماً مبتنی بر منابع و مآخذ معتبر و اسناد مرکز مطالعات تاریخ دیپلماسی وابسته به امور خارجه و مصاحبه با کهنسالان و حاضران در قیام و تحلیل و واکاوی آنها توسط نگارنده است.

**کلید واژه:** ایلام، جنگ جهانی اول، شاه محمد یاری، رضاخان، والی

### مقدمه:

استان ایلام با مساحتی بالغ بر ۱۹۰۴۴ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۶۲۰ هزار نفر و هشت شهرستان در غرب ایران قرار گرفته است. زبان مردم ایلام کردی است که آن را کُردی جنوبی یا فِلی نیز می‌گویند در این مبحث به گوشه‌ای از تاریخ ایلام پرداخته می‌شود. قیام رنو فراز برجسته ای از تاریخ پرفراز و نشیب ایلام به شمار می‌رود و این رخداد به یادماندنی که با اتحاد و همکاری ایلات و طوایف گرد به وقوع پیوست شاهدهی بر سلحشوری و دلاوری‌های آنان است. اما کشور ایران در طول تاریخ ادوار دشواری را از سرگذرانده و از این رهگذر تجارب گرانبهایی اندوخته است. یکی از این ادوار اواخر سلطه‌ی قاجاریه بر ایران است که آخرین شاه این سلسله هیبت و ابهت کشور را جریحه‌دار نمود.

با آنکه احمد شاه به علت سن کم و نیز کم‌تجربگی قادر به اداره‌ی امور کشور نبود جنگ جهانی اول

\* بخش عمده این کتاب برگرفته از کتاب «قیام ایلام در عصر رضاشاه» نوشته و تحقیق عباس محمدزاده (مه‌لکشا) که در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات گویش منتشر شده است.

به وقوع پیوست و طبیعی بود که ایران به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی و ضعف و ناتوانی دولت در کنترل و حفظ تمامیت ارضی کشور و همچنین وجود حکومت‌های نیمه مستقل همچون والیان ایلام و والیان سرکش خوزستان صحنه کشاکش و درگیری شود. با وجود حضور قوای انگلیس و شوروی در آن زمان در ایران با تهاجم گسترده عثمانی به غرب کشور و نیز پیوستن آنها به آلمانی‌ها و سعی‌شان برای نفوذ در نواحی غرب ایران عملاً این کشور جولانگاه بیگانگان شد.

به رغم حملات گاه و بیگاه عثمانی‌ها به صفحات غربی به ویژه ایلام، مهران و که سرتیپ عاجعلی رزم‌آرا از آنها نام برده و در این مناطق امنیت نسبی حکمفرما بود به گونه‌ای که برخی از رهبران مذهبی با سفر به کرمانشاه به رهبری نظام السلطنه مافی دولت موقت را تشکیل دادند. سرانجام در حوت ۱۲۹۹ رضاخان میر پنج که فرمانده بریگاد قزاق ارتش ایران بود، کودتا کرد.

انقراض سلسله قاجاریه و به قدرت رسیدن رضاخان در حقیقت انقراض حکومت‌های ملک الطوایفی ایران همچون والیان پشتکوه و حکومت شیخ خزعل در خوزستان محسوب می‌شد. رضاخان در راه تثبیت قدرت خود قشون متحدالشکل تاسیس کرد و آن را گسترش داد، بر ولایات اعمال نظم نمود، بر دولت مسلط شد و مجلس را زیر نفوذ آورد. وی قیام کردها به رهبری اسماعیل آقا سمیتقو [سمکو] را در آذربایجان فرونشاند و علاوه بر آن از طریق نیروی قهریه و واگذاری امتیازات عشایر بختیاری و لر در جنوب کشور را مطیع ساخت (معتضد: ۱۳۸۰، ۱۷۳).

رضاشاه با حکام محلی و حاکمیت ملک الطوایفی سخت مخالفت می‌کرد و قصد داشت این نوع حکومت‌های کوچک را که برای آینده‌اش خطرناک بودند از میان بردارد و تمام فرمان‌های حکومتی از خودش نشأت گیرد. او با ارتش منسجم و مجهزی که در اختیار گرفته بود می‌توانست هر شورش و قیامی را منکوب کند و با کمک افسران مجربش که بعضی او را در کودتای نظامیش همراهی کرده بودند به مهمترین خواسته‌هایش دسترسی یابد.

رضاخان علاقه وافری به نظم و انضباط شدید داشت و فرماندهانی را که بیش از سایرین مقرراتی بودند در پست‌های حساس می‌گماشت تا بدین وسیله اجرای کامل دستورهایش را تضمین کرده باشد. او در فکر بسط و توسعه قدرت ارتش و بالا بردن موقعیت خودش بود و جهت نیل بدین مقصود برنامه از پیش تعیین شده‌ای داشت که در فرصت‌های مناسب اقدام به اجرای آن نمود.

در این دوران در ایلام غلامرضاخان ابوقداره فرزند حسینقلی خان حکمرانی می‌کرد که به نوشته سیاحان غربی پیش از بیست هزار نفر نیرو به عنوان تفنگچی در اختیار داشت و حتی گهگاهی پسران وی به نیروهای عثمانی شیخون می‌زدند تا اینکه رضاخان که با حکومت‌های ملوک الطوایفی مخالف بود، مکتوب

دوستانه‌ای به غلامرضاخان ارسال و از وی خواسته بود تا جهت پاره‌ای توضیحات به تهران برود.



سمکو در دوران قیام علیه رضا خان

پس از آنکه ابوقدراره از مسافرت به تهران سرباز زد رضاشاه ناچاراً سالار اشرف اعظم زنگنه را نزد والی فرستاد اما وی نیز پس از عدم حصول به نتیجه دلخواه به پایتخت بازگشت و غلامرضا خان که می‌دانست دوران حکومتش به سر رسیده تصمیم گرفت به عراق مهاجرت کند. مهاجرت والی و اقامت در عراق مسائلی بر دو کشور تحمیل ساخت. دولت ایران از طریق سفارش از کشور عراق خواسته بود تا قوانینی سخت نسبت به والی اعمال کند و از بیم اقدامات تلافی‌جویانه اقدامات او، خواستار آن بودند تا نسبت به غلامرضا خان اجازه داده نشود به خطوط حائل مرزی سفر نماید و تنها به اقامت در بغداد یا سامراء قناعت کند.

دولت متبوع ایران انتظار داشت تا غلامرضا خان ممنوع الخروج شود لیکن این درخواست به سادگی امکان‌پذیر نبود زیرا هم والی افراد صاحب منصب و ذی نفوذی در دستگاه حکومت آن کشور اجیر نموده بود و به بهانه زراعت و آبیاری باغاتش در «باغ سای» به مرز سفر می‌کرد.

پس از آنکه حکومت نیمه مستقل پشتکوه (ایلام) از میان برداشته شد زمینه برای ورود نیروهای حکومت مرکزی فراهم گردید و اولین گروه حکومتی شامل سرتیپ محمد صادق کوپال، سرهنگ علی اکبر درخشانی پورسردار مسئول مالیه و چندین افسر و بیش از یکصد و پنجاه سرباز به حسین آباد (مرکز ایلام کنونی) وارد شدند و قلعه‌ی والی را اقامتگاه دائمی و مرکز فرماندهی خود قرار دادند، بر اساس اسناد و مدارک موثق از مرکز اسناد تاریخ و دیپلماسی درگیری‌هایی نیز بین آنان پدید آمد.

جنرال فونسلگری دولتیله ایران بین النهرین - بغداد - مقام منبع وزارت

مورخه ۱۵ فروردین ۱۳۰۶، پرونده ۹ نمره ۲۲،

بموجب اطلاعات واصله فتاح خان توشمال از بستگان والی پشتکوه ی کدخدای عشیره خزل را که به دولت اظهار اطاعت و اخلاص می کرده به قتل رسانده و یاور اسفندیارخان و شش نفر نظامی را یکشب تا صبح زنجیر کرده و اساس و تفنگ آنها را گرفته است.

تدریجاً که سرتیپ صادق خان به رتق و فتق امور محوله‌اش همت می‌گماشت سعی می‌نمود تا کاملاً بر او ضاع منطقه مسلط و فرامین دولتی را به سرعت پیاده نماید. شاید بتوان پیاده شدن قانون خلع سلاح عشایر ایلام را علت اولین تصادمه آنان با دولت پهلوی عنوان کرد، چونکه مردم این خطه به سبب دوری از مرکز کشور، کوهستانی بودن منطقه و هم‌مرزی با عراق که آن هم با کشورهای تجارت‌کننده اسلحه نزدیک

است و عشایری که داشتن اسلحه را جزو ضروریات و فخر زندگی محسوب می‌داشتند و آن را عزیز می‌شمارند به سادگی سلاحهایشان را تحویل نمی‌دادند. در ضمن پخش اخباری مبنی بر اینکه دولت رضاشاه در آینده‌ای نزدیک به کشف حجاب مبادرت خواهد ورزید و لباس سنتی ممنوع خواهد شد، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی به دولت جدید را فراهم آورد. علاوه بر موارد مزبور اقدام به یکجانشین کردن عشایر و تخت قاپو کردن ایلات و طوایف کوچرو که قبلاً در کردستان و لرستان آغاز شده بود، توشمالان و بزرگان ایلامی را که از نزدیک شاهد وقایع جدید بودند، بیمناک ساخت.

در حدود یکسال پس از ورود نمایندگان دولت پهلوی به پشتکوه، مردم این خطه احساس می‌کردند مقررات جدید تحمیلی، ناعادلانه و سلطه‌طلبانه است و فقط در جهت محدود ساختن خواسته‌های به حق آنهاست.



در خردادماه ۱۳۰۷ خورشیدی درگیری‌هایی بین کشاورزان و مجروح شدن عده‌ی دیگری متعاقب آن سرتیپ کوپال قوانینی وضع نمود که بسا شدید تر از تنبیهاتی بود که والی ایلام برای مجروحین در نظر گرفت و این موارد باعث روی گردانی کُردهای ایلامی از حکومت تازه تاسیس پهلوی در حسین آباد گردید. رضاخان که به ترویج ناسیونالیسم افراطی پان فارسیسم می‌پرداخت دستور داد تا پوشش سنتی ایلامیان که همان پوشش کُردی رایج در مناطق کردنشین است ممنوع گردد و کت و شلوار و کلاه پهلوی مورد استفاده قرار گیرد.

### ایلات ایلام

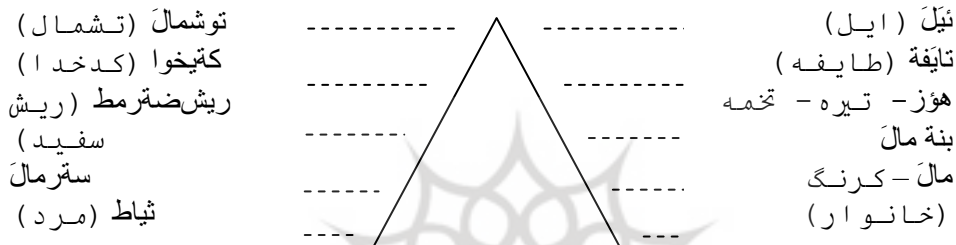
عشایر پشتکوه فیلی شامل ایلات ملکشاهی، ارکوازی، شوهان (شوان)، میشخاص، کُرد زرین آباد و ایل خزل می‌شود و همچنین شامل ایل عالیبیگی، دهبالایی، علی شروان، کُرد دهلران و... می‌شود (طیبی: ۱۳۷۴، ۳۲۹).

ایل ملکشاهی بزرگترین ایل پشتکوه است که از ۲۹ طایفه تشکیل شده است. رئیس ایل را توشمال می‌گویند که ممکن است به طور مشترک از سوی دو برادر اعمال شود. سرپرستی طوایف برعهده کدخدایان

است... هر طایفه به چند بنه تقسیم می‌شود. مال کوچکترین واحد ایلی است که معادل همان خانوار ایلی می‌باشد. کوچکترین واحد مسکونی «کرنگ» نامیده می‌شود (نقیب‌زاده: ۱۳۷۹، ۵۸).

ایل ارکوازی شامل ۹ طایفه (هر طایفه از یک تا پنج تیره) می‌شود که در ناحیه چوار ساکن هستند. ایل شوان شامل ۹ طایفه و ۲۱ تیره است که در بخش زرین آباد بین ارکوازی و آبدانان پراکنده‌اند. اعضای ایل میشخاص برعکس، یکجانشن‌اند و از ۴ طایفه تشکیل شده‌اند. ایل بولی در بخش چوار از دو طایفه مظفروند و گرگه‌وند تشکیل شده است. ایل گُرد زرین آباد از ۱۶ طایفه و ایل شیروان از دو طایفه شیروان و زنگوان و ایل خزل از ۴ طایفه شمسی‌وند، مرشه‌وند، قلی‌وند و خیره‌وند تشکیل شده است.

سازمان ایلات کرد که بسیاری از آنها حدود دو قرن پیش به این سو یکجانشن شده‌اند مانند عشایر بقیه ایران بر چند طایفه، تیره، هوز (دودمان) و خانوار استوار است. ایل، یک واحد سیاسی و اجتماعی است که از تعدادی طایفه تشکیل شده که در محدوده قلمرو ایل زندگی می‌کنند. در رأس هر طایفه یک رئیس قرار دارد که مقام او موروثی است (کسرایان: ۱۳۷۲، ۱۷).



ساختار اجتماعی ایلات گُرد ایلام

بزرگان و مردم ملکشاهی در زمان حکومت والیان پشتگوه با توجه به داشتن پیشینه و سابقه تاریخی در ظلم‌ستیزی خواهان حکومتی متعادل و آرمان‌خواه بودند و در مورد اتفاقات و وقایع روزمره با رئیس و گگ، مهم قیسی و شاه محمد یاری که چند تن از معتمدین و اشخاص بانفوذ ایل ملکشاهی بودند مشورت و همفکری می‌کردند. شاه محمد یاری در نزد آنان از مقام و منزلت ویژه‌ای یافته بود محبوبیت بی‌نظیر وی و اجدادش به سالها قبل بازمی‌گشت که پدر ایشان مرحوم یار محمد رهبری میارزه با اجانب (ترکان عثمانی) را برعهده گرفته و شخص شاه محمد هم بعد از پدر در نبرد با مهاجمین، آنگاه که امام‌زاده سید حسن را به آتش کشیده بودند به همراه دیگر مبارزان ملکشاهی از جان گذشتگی‌های فراوانی به نمایش گذاشت.

### شاه محمد یاری

شاه محمد یاری (مشهور به شامگه رضاخان) از مصلحان و بزرگان ایل ملکشاهی سابقه‌ای درخشان در مبارزه و ستیز با متجاوز عثمانی و عرب را در کارنامه‌اش داشت. همراه با دیگر سران از جمله میرزا شاه محمد خسروی و تعدادی از توشمالان ایل گُرد از حکمران نظامی خواست تا رفتار متعادل تری در قبال مردم ستمدیده‌ی این سامان در پیش گیرد. لیکن بر خلاف انتظار سران ایلامی، سر تیپ کوپال در اختاریه‌ای که برای بزرگان ارسال می‌دارد از آنان می‌خواهد تا در امور حکومتی دخالت نمایند و این عکس‌العمل نظامیان باعث گردید که زعمای قوم به رهبری شاه محمد یاری به فکر قیام همه‌جانبه و تسخیر مرکز حکومت پردازند.



شاه محمد یاری (ملقب به شامگه رضاخان)  
رهبر قیام ایلام در سال ۱۳۰۸ هـ. ش (۱۹۲۹ میلادی)

با آنکه شاه محمد یاری در تدارک حمله به مرکز نظامیان بود غلامرضا خان والی در باغشاهی عراق توانست با رشیدالسلطان کردستانی و همفکران وی در کردستان ارتباط برقرار نماید و زمینه‌ی همکاری دو جانبه را فراهم و شورش در حال شکل‌گیری ایلام را به کرمانشاه و کردستان توسعه بخشید (محمدزاده: ۱۳۸۳، ۶۶).

غلامرضاخان سپس از سران ایل بیرانوند در لرستان که از دولت ناراضی و در حال ستیز با آنان بودند خواسته بود تا همدوش با ایلامیها حملات خود را علیه قشون سردار سپه تشدید کنند و نیرویی به ایلام اعزام دارند تا والی معزول پس از بازگشت به قدرت آنان را از لطف خود سودمند گرداند. در این زمان شورش کردها به اوج خود رسیده بود (Arfa: 1966, 65-66).

«همچنین شورش ایلات گُرد در جوار ترکیه و انگلستان (عراق) وسعت زیادی گرفت. در درجه اول گره خوردن شورش سردار رشید با سالار الدوله شاهزاده قاجار که از جانب مادر با کردها خویشی داشت [یکی از همسران سالار الدوله دختر غلامرضاخان ابوقداره والی ایلام و همسر دیگرش دختر داود خان رئیس ایل کلهر بود] و سپس رابطه ای که بین سران کرد ایرانی و کردان سلیمانیه وجود داشت و بالاخره وسعت منطقه کردستان از کرمانشاه تا ماکو سبب می شد تا خاموش کردن این فتنه برای دولت مرکزی دشوار باشد (Ibid).

در اینجا سند دیگری درباره‌ی تبانی لرستانی، ایلامیها و کردستانی‌ها جهت ایجاد آشوب و شورش گسترده در غرب کشور می‌آوریم:

جنرال قونسولگری دولتیله ایران، بین النهرین - بغداد

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

اخیراً شنیده شد یک قسمتی از عشایر لرستان که ایل جوکی (جودکی) و سگوند باشند با والی پشتکوه اتفاق کرده‌اند و همچنین والی با رشید السلطان کردستانی نیز بندوبستی کرده که یک مرتبه لرستان، پشتکوه [ایلام] و کردستان را معشوش نمایند و... (محمد زاده: ۱۳۸۳، ۶۶).

بر اساس مدارکی راجع به قیام ایلامیان که ممه‌هور به مهر محرمانه شده چنین آمده که تعدادی از توشمالان ایلام معتمدین خود را به باغشاهی نزد غلامرضاخان فرستاده و در موضوع شرارت و عصیان مذاکراتی نموده‌اند که به طور ناگهانی مامورین دولتی را محاصره و پس از خلع سلاح آنها را از حسین آباد خارج و به مقاصد سوء خود ناشی شوند به علاوه طوایف پشتکوه مقدار زیادی تفنگهای سه تیر، پنج تیر و ده تیر از اعراب خریداری کرده‌اند تا در جنگ از آنها استفاده نمایند (همان، ۶۸).

### تداوم درگیری‌ها

با توجه به درگیریهای مختلفی که در سراسر ایران خاصه مناطق کردنشین علیه حکومت پهلوی صورت گرفته بود شاه محمد یاری که به پشتیبانی تفنگچیان والی معزول نیز دلگرم بود درصد برآمد تا با متحد ساختن ایلات ایلامی و به حسین آباد حمله و پس از تصرف ادارات دولتی خود صاحب حکومت ایلام شود.

شاه محمد یاری با اتکا به ایل خود که پرجمعیت ترین ایل پشتکوه محسوب می شود<sup>۱</sup> و همچنین تحمل لطمات و صدمات فراوان از ناحیه والیان و رویگردانی از قشون رضا خان و ظلم مضاعف آنان درصد تشکیل حکومت مردمی برآمد.

پس از آنکه سران ملکشاهی تصمیم یورش به حسین آباد گرفتند مخفیانه به تهیه سلاح و مهمات پرداخته و همراه با دیگر بزرگان ملکشاهی از جمله قیسی رحیمی به پاسگاه‌های مراقب مرزی امیرآباد، کنجانچم و صالح آباد هجوم برده و پس از خلع سلاح نظامیان به منطقه خود بازگشتند.

معمربین معتقدند شاه محمد که نیروهایش اسلحه کافی در اختیار نداشتند تعداد زیادی سلاح و مهمات از طریق خانقین و کردستان عراق جمع آوری کرد تا در نبرد علیه دولت پهلوی از آنها استفاده کند. نیروهای مزبور پس از تسلیح به پاسگاه‌های مرزی در امیرآباد و کنجانچم حمله ور شده و نظامیان را خلع سلاح نمودند.

همزمان با تسلیح نیروهای شاه محمد یاری، علیقلی خان صارم السلطنه (پسر والی معزول) که معاونت کوپال را برعهده داشت و به دستور دولت برای سرکوب شورش ایل کرد در دهلران تعداد دویست قبضه اسلحه دریافت نموده بود، به نیروهای شورشی پیوست و جناح دوم حرکت مسلحانه مردمی را تشکیل داد و همراه با دیگر توشمالان و بزرگان به قصد تصرف حسین آباد حرکت کرد.



۱- ر.ک به سیستانی، افشار (۱۳۷۲) ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.



باید گفت قیام ایلام ظرفیت و توانایی تعمیم و تبدیل به یک جنبش فراگیر ملی را در خود داشت و در صورتی که اتحاد کامل استان‌های مرزنشین کوهستانی به وقوع می‌پیوست و چون ایل سنجابی کرمانشاه با سردار رشید همکاری داشت رضاشاه نمی‌توانست بر این مناطق مجدداً اعمال نظم و نفوذ نماید. یکی از نویسندگان در این مورد می‌نویسد:

«در سال ۱۳۰۸ خورشیدی علیقلی خان (صارم السلطنه) فرزند غلامرضاخان ابوقداره والی پشتکوه به همراه چند برادر خود داعیه‌ی حکومت پشتکوه شده و نسبت به تمام هشدارهای دولت مرکزی بی‌توجهی نشان داده و تمام نیروهای مردمی طوایف پشتکوه (شوهان، کرد، دیناروند و...) را جمع کرده و علیه حکومت مرکزی قیام کرد (محمدی: ۱۳۷۶، ۱۲۰).

سرانجام پس از چندین روز زد و خورد متقابل، حسین آباد ایلام با چندین کشته و مجروح به دست شورشیان افتاد و شاه محمد یاری در جمع نیروهای مردمی از شانس و اقبال بلند خود سخن به میان راند. نیروهای مردمی آنچنان به پیروزی خود ایمان راسخ داشتند و به اتحاد طوایف و فزونی تفنگچیان می‌بالیدند که در فکر هجوم همه‌جانبه به گیلان، شاه‌آباد، کرمانشاه و مناطق اطراف بوده و از طریق تهدید و ارعاب درصدد پیشبرد برنامه‌هایشان بودند و همین رویه باعث روی گردانی تعدادی از ایلات کرمانشاهان از همکاری با شورشیان شد.

در حالیکه محاصره مرکز نظامیان ادامه داشت و شورشیان می‌دانستند قشون رضاخان برای سرکوب آنان از سمت شمال و مسیر کرمانشاه و ایوان خواهند رسید با نیروهای زیادی برای مقابله با نظامیان واقع در اسلام آباد و کرمانشاه و همچنین همراه ساختن عشایر آن مناطق حرکت کردند تا به مقاصد اصلی شان دست یابند این جنگجویان در گردنه‌ی مشهور رنو که راهی صعب‌العبور دارد مستقر و مشغول به ایجاد استحکامات دفاعی شده بودند. همچنین در حدود سیصد تن از زبده‌ترین تیراندازان به سمت کرمانشاه طی طریق کرده و در محلی موسوم به چهارمله با عده‌ای از سربازان رضاخان درگیری مسلحانه نمودند.

اما با توجه به شرح کامل گزارش‌ها و اخباری که به مرکز رسید قرار به این شد که یک هنگ پیاده و سواره نظام از خرم‌آباد و یک هنگ پیاده از کرمانشاهان به فرماندهی حاج‌علی رزم‌آرا به همراه چندین عراده توپ و مسلسل‌های سنگین شصت تیری جهت درهم کوبیدن شورش و مجازات عاملان و روسای ایلات و عشایر متمرذ اعزام شود (محمدزاده: ۱۳۸۳، ۹۵).

تلاش اصلی قشون بر این استوار بود که جنگجویان محلی را از دسترسی به کوهستان دور داشته و به دشت بکشاند، زیرا افراد محلی بیش از دیگران قادر بودند در کوهها بجنگند و راز ماندگاری و عدم اختلاط مادها (کردها) با نژادهای دیگر، در بهره‌مندی از کوهستان است.

رهبر قیام امیدوار بود تا پس از پیروزی بر قشون دولت و به دست آوردن غنائم و تسلیحات پیشرفته به لشکرکشاش ادامه دهد. اما بخت و اقبال با وی یار نبود زیرا غرش توپخانه و صدای ناشی از انفجار گلوله‌های آن، برای عشایرانی که چنین سلاحهایی ندیده بودند رعب‌انگیز می‌نمود.

به هر صورت گروهی از نیروهای رضاخان که سراسیمه از کرمانشاه اعزام شده بودند پس از چند روز به محدوده‌ی شهرستان کنونی ایوان (روستای سراب بازان) وارد شدند و در پناه صخره‌ها و درختان تنومند به تحکیم مواضع پرداختند. آنان تفنگچیان اجیر شده را در خط اول درگیری مستقر نموده بودند تا در صورت اجتناب از تیراندازی توسط نظامیان هدف قرار داده شوند. سرانجام پس از روز زد و بر خورد‌های بسیار و کشته و زخمی شدن عده‌ی زیادی از طرفین، به علت اتمام مهمات، خرابی سلاحها، نبود نیروهای تازه نفس، خستگی ناشی از یک ماه درگیری در حسین آباد و رنو، تضعیف روحیه عشایر در اثر غرش مهیب توپخانه و بمباران هوایی روستای هفت چشمه و... شکست قوای مردمی رقم خورد.

افراد و طوایفی که در جنگ شرکت داشتند بنا به درخواست سران به قسمت‌هایی از کوه‌های صعب العبور، مانشت، کبیرکوه، دینارکوه و باغشاهی در عراق حرکت کردند.

حاجعلی رزم آرا در بخشی از کتابش در خصوص قیام ایلام می‌نویسد:

«روز قبل از عروسی در منزل بودم تلگرافی از فرماندهی قوای غرب رسید که وجود شما به واسطه‌ی پیش آمدهای پشتکوه لازم است. صبح فردا خود را به فرمانده قوا معرفی کردم... چون قسمت عمده قوا در ماموریت پشتکوه بودند لذا با قسمت‌هایی که در حدود دو گروهان بود به طرف شاه آباد و از آنجا به طرف ایوان حرکت کردم... و تصمیم آنها، شورشیان، این است که برای همراه کردن عشایر ایوان و شاه آباد به طرف این نواحی سرازیر شوند... ضمناً قاصد کاغذی از سرتیپ کوپال داشت که... فرمانده قوای نظامی، من با عده‌ای از نظامیان همراه خود مدت سیزده روز است که در قلعه حسین آباد بوده و حتی از سه روز قبل آب ما را هم قطع و خورک ما منحصر به جو آب چاه بدی است (زرم آرا: ۱۳۸۲).

از مطالبی که کهنسالان و سپهبد رزم آرا راجع به شکست نیروهای ایلامی در جنگ رنو آورده، واضح است که علاوه بر گردان هنگ خرم آباد و دو فوج یا بیشتر از نیروهای نظامی مستقر در کرمانشاه، تفنگچیان برخی ایلات کرمانشاه، گیلان، شاه آباد و... به رهبری سرهنگ باقرخان که عجلتاً از جانب دولت تسلیح و تجهیز شده و بیش از سایرین در گذر از مناطق کوهستانی و صعب العبور تبحر داشته‌اند، در نقاط مهم دیگری حضور فعال یافته و اطلاعات و خدمات ذینفع لازمه دستگاه حکومتی را در اختیار رؤسای نظامی قرار می‌دادند. تفنگچسانی که شورشیان ایلامی سعی داشته تا در ادامه این خیزش از همکاری آنها بهره‌جسته و جهت تسخیر شهر کرمانشاه، آنان را به خدمت گیرند! امری که دولت به اهمیت آن واقف و با تطمیع

برخی ایلات مزبور گام مهمی در مقابله با شورش سال ۱۳۰۸ پشتکوه برداشت.

### مقاومت ایلامیان و اعلام عفو عمومی به دستور رضاشاه

نیروهای مردمی پس از یک ماه تسخیر حسین آباد و دو هفته درگیری در منطقه رنو و مانشت و شکست در برابر قشون مجهز رضاشاه، عاقبت به چند سمت متواری شدند. پس از آنکه این درگیری‌ها کاملاً عمومیت یافت رضاخان در اقدامی شتابزده و جهت ایجاد تفرقه و اختلاف در بین مردم ایلام، به عفو عمومی پرداخت و تا حدودی توانست از شدت درگیری‌ها بکاهد. اما در اینجا لازمست نظر به اهمیت موضوع به چند علت شکست پیردازیم و از آن جمله در اکثر قیام‌ها حکام ایران جهت سرکوب اینگونه عصیانهای محلی و منطقه‌ای از وجود نیروهای ایلات سرسپرده سود جسته‌اند که قیام میرزا کوچک خان، سمکو، سالار الدوله و... نمونه‌هایی قابل ذکر است و در سال ۱۳۰۸ خورشیدی دولت با تطمیع سران برخی ایلات گام اساسی را جهت مقابله با این قیام برداشت. از موارد دیگر که در شکست اکثر قیامهای کردان بی‌تاثیر نبوده و رگه‌هایی از آن در قیام شاه محمد یاری یافت می‌شود خیانت است که تضعیف قیام و تسریع روند شکست قیام کنندگان را موجب گردید. استفاده از جنگ افزارهای مدرن نظیر هواپیما و توپ جملگی زمینه‌ی شکست قیام را فراهم نمود.

### اعدام هفت تن از بزرگان ایلامی

پس از اعلام عفو عمومی توسط رضاشاه و تضعیف قیام و تهدید و تطمیع برخی توشمالان) رؤسای ایلات ایلامی) به حمایت از دولت کویال، هفت تن از بزرگان ایلامی از جمله دو تن در زندان کرمانشاه و پنج تن در محل کنونی فرمانداری ایلام تیر باران شدند.

مؤلف کتاب جغرافیای ایوان که رزم‌آرا را عامل اعدام‌ها معرفی کرده آورده است:

«پس از پایان جنگ که امنیتی در منطقه به وجود آمد، فرماندهان نظامی برای ترساندن و زهر چشم گرفتن دو نفر از کدخدایان دیوالا (طایفه ده بالا) به نام کد خدا موسی و کد خدا درویش که به گفته‌ای هیچ نقشی در جنگ نداشتند و چون دستور آمده بود که دو نفر را اعدام کنید تا بقیه بترسند، آنها را انتخاب و اعدام کردند» (محمدی: ۱۳۷۶، ۱۲۱).

به هر تقدیر با اعدام این افراد و کشته و مجروح شدن شصت تن، والیزاده معجزی از کشته شدن تن از ایل خزل پرده برداشته است، حبس افراد زیادی در زندان کرمانشاه (زندان شهربانی سابق) و در قلعه‌ی فلک الافلاک لرستان و قصر فجر (زندان قصر تهران) تا حدود دو سال و تعقیب شورشیان تا داخل خاک عراق، این قیام تا حدود زیادی تضعیف گردید و آخر الامر سرتیپ محمد صادق کویال در تلگرافی به مرکز خاتمه‌ی این حماسه‌ی تاریخی را اعلام نمود.



درباره عفو عمومی اعلام شده تفاوت‌هایی وجود داشت، غلامرضاخان والی و افراد نزدیک وی را دربر نمی‌گرفت و اگر هم به ایران بازمی‌گشتند می‌بایست در نقطه‌ای غیر از پشتکوه اسکان داده می‌شدند تا نتوانند مقدمات دسیه‌چینی علیه نظام و امنیت کشور را فراهم آورند.

همچنین شاه محمد یاری که به توصیه بزرگان به قصد زیارت و گریز از مشکلات موجود به عراق مهاجرت کرده بود پس از ملاقات با برخی مردم ملکشاهی که مشغول به کارهای سخت و طاقت‌فرسا شده بودند به شدت تحت تأثیر عواطف درونی‌اش قرار گرفت و از مشکلات کردهای فیلی در عراق اندوهگین شد و سپس زیارت بارگاه حضرت علی (ع) در نجف اشرف مشرف و از آن امام همام مدد خواست که نوادگانش را یاری دهد تا به قصد یافتن کار به آن کشور مهاجرت نکنند و خود با دلی پر از اندوه به ایران مراجعت نمود.

آخرالامر فرماندهان قشون پهلوی در ایلام پس از خلعت پوشاندن به شاه محمد ۱ و مشایعت وی به سمت اراکواز ملکشاهی پایانی صلح‌آمیز برای واقعه پشتکوه (جنگ رنو) رقم خورد. همانگونه که رزم‌آرا نوشته، پس از تیرباران پنج تن از سران ایلامی، مردم منطقه به شدت نسبت به نظامیان بدبین شده بودند و ممکن است احضار شاه محمد به حسین آباد و خلعت پوشاندن به وی، جهت اعتمادسازی و جلب توجه مردم به دولت بوده باشد.

1 - از جمله هدایای مرسوم، یم توپ شال ترمه کشمیری نفیس به همراه دسته‌ای لباس گرانیقیمت بود که این شال به یاد و احترام شاه محمد و وقایع آن دوران، هنوز در بین خانواده‌اش نگهداری می‌شود.

**نتیجه گیری:**

بدون شک قیام ایلام حلقه مفقوده سلسله قیام های گردان علیه حکومت پهلوی اول محسوب می گردد که بنا به دلایلی کمتر مورد باز خوانی و واکاوی قرار گرفته است. قیامی که در آن از جنوبی ترین شهرستان، ایل کُرد دهلران، تا ایلات خزل، ملکشاهی، ارکوازی، دهبالایی، شوهان، علی شروان و... حضور داشته و همراه و همدوش هم علیه برنامه های تحمیلی رضاخانی بالاخص کشف حجاب و ممنوعیت پوشش سنتی و تخته قاپو کردن ایلات پیا خواستند.

در واقع نمی توان بدون آگاهی کامل از سایر قیام ها و شورش هایی که چه پیش و چه پس از به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی صورت گرفت در این باره قلمفرسایی کرد زیرا یکی از دلایل این حرکت های خود جوش مردمی نبود پروسه ی دولت - ملت سازی در تاریخ ایران بوده که برای نخستین بار رضاشاه درصدد اجرای این مهم برآمد و سرنوشت اقلیت های ایرانی از قبیل اعراب، الوار، آذری ها، بلوچ ها، ترکمن ها و قشقای ها را با فارس های مرکز نشین پیوند داد و خود را به عنوان دهنده ی حکومت شاهنشاهی کوروش و داریوش معرفی نمود. علاوه بر نبود پروسه ملت سازی در تاریخ ایران، ناآشنایی مرکز نشینان حاکم با روحیات و خلیقات و ابعاد جامعه شناسی و فرهنگی نواحی ایران و صدور فرامین شداد و غلاظ و همچنین نقش کاریزماتیک رهبران بومی در مناطق کُردنشین را نمی توان در آغاز این خیزش ها از نظر دور داشت. امری که تاکنون به فراموشی سپرده شده است.



مؤلف کتاب زوایای پنهان قیام ایلام، عباس محمدزاده (ملکشاه)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**منابع و مآخذ:**

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲) ایلام و تمدن دیرینه‌ی آن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیر احمدی، احمد (۱۳۷۳) خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- حنیف، محمد (۱۳۷۴) شناخت ایل بیرانوند (رساله‌ی فوق لیسانس تاریخ) دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- محمدزاده ملکشا، عباس (۱۳۸۳) قیام ایلام در عصر رضاشاه، ایلام، انتشارات گویش.
- رزم آرا، علی (۱۳۲۰) جغرافیای نظامی ایران (پشتکوه)، تهران، چاپخانه ارتش.
- رزم آرا، حاجعلی (۱۳۸۲) خاطرات و اسناد سپهبد حاجعلی رزم آرا، به کوشش کامبیز رزم آرا و کاوه بیتا، تهران، شیرزاده، تهران، شیرزاده.
- سارایی، ظاهر (۱۳۷۹) شاعر قله‌های مه آلود، تهران، نشر گویه.
- صفی‌زاده (بوره‌کاهی) صدیق (۱۳۷۸) تاریخ کُرد و کُردستان، تهران، نشر آتیه.
- کسرائیان، نصرالله (۱۳۷۲) نامه خود نویسنده، تهران
- طبیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۴) مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ماهنامه کُردی ناوینه (به زبان کردی و فارسی) تهران، سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵
- محمدی (کلهر)، آیت‌الله (۱۳۷۶) جغرافیای تاریخی و تاریخ ایوان غرب (ایوان کلهر) چاپ نهضت.
- متعز، خسرو (۱۳۸۰) تاریخ ۵۷ ساله ایران در عصر پهلوی، تهران، مهارت.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹) دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- والیزاده معجزی، محمد رضا (۱۳۸۲) تاریخ لرستان، تهران، حروفیه.

**منبع انگلیسی:**

- 1- Arfa, Hassan – the Kurds, oxford univerrsity press, 1966